

## آیا دولت افغانستان می‌تواند در منازعه‌ی بین کوچی‌ها و ساکنین موفقانه مداخله کند؟

### مقدمه

منازعه بین کوچی‌ها و ساکنین دیگر محدود به چند ولسوالی هزاره‌جات نیست. این درگیری به بسیاری از مناطق کشور گسترش یافته و عمدتاً کوچی‌های پشتون را در مقابل ساکنین هزاره، تاجیک و پشتون قرار می‌دهد. این منازعه همچنان از درگیری جوامع محلی در برابر یکدیگر فراتر رفته و زورمندان، احزاب و رهبران سیاسی را درگیر ساخته است. اکنون بیش از هر زمان دیگری احتمال سرریز منازعه وجود دارد.

منازعه‌ی در حال تشدید بین کوچی‌ها و ساکنین در افغانستان باید حل شود، اما آیا دولت افغانستان ظرفیت و اقتدار لازم برای مداخله در این منازعه و تاثیرگذاری مثبت بر آن را دارد؟ در حال حاضر، ظرفیت بسیار محدودی وجود دارد و دولت افغانستان حتی قادر به نظارت کامل بر درگیری‌ها نیست. حتی وقتی دولت افغانستان تلاش می‌کند منازعه را مدیریت کند، ضعیف عمل می‌کند - به عنوان مثال، پروژه‌های استقرار کوچی‌ها چنین بوده است. این سوال نیز وجود دارد که آیا مداخله دولت در منازعه، همیشه بی‌طرف تلقی می‌شود یا خیر. اما آیا گزینه‌های بدیل برای مداخله دولت وجود دارد؟ اگر هیچ گزینه‌ی بدیل وجود نداشته باشد و به منازعه رسیدگی نشود، پیامدهای بالقوه تشدید آن چیست؟

این پالیسی نامه به بررسی همین موضوعات می‌پردازد، فشرده تعدادی از مقالات مفصل‌تر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را که قبلاً در این باره منتشر شده است، بیان می‌کند و توصیه‌هایی را در زمینه پالیسی سازی به هدف اجرای آن در آینده، ارائه می‌کند. مقالات مرتبط (توسط همین نویسنده) عبارتند از:

- "ترسیم نقشه منازعه کوچی-ده‌نشین در افغانستان"، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۷.
- "نوع شناسی منازعه کوچی-ده‌نشین در افغانستان"، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۸
- "نقش دولت افغانستان در مدیریت کوچ نشینی و منازعه کوچی/ده‌نشین، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۸
- "روند اسکان کوچی‌ها در افغانستان و تأثیر آنها بر منازعه"، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۹
- "منازعه کوچی-ده‌نشین در افغانستان کنونی"، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۹

### روش شناسی

این پالیسی نامه از کارهای ساحوی اقتباس شده است که ۹۸ مصاحبه با موسفیدان کوچی و ساکن، مقامات حکومتی، چهره‌های سیاسی، تحلیلگران، میانجی‌ها و سایرین را در بر می‌گیرد. این مصاحبه‌ها در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ در شهر کابل و در ولایت‌های بامیان، فراه، غزنی، کابل، خوست، کندز، لوگر و وردک انجام شده است. کار ساحوی شامل هشت مطالعه موردی نخست در باره‌ی منازعات در ولسوالی‌ها در سال ۲۰۱۷، و اولین مطالعه تعقیبی با شرکت موسفیدان و مقامات حکومتی در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ است. پس از آن، چهار مطالعه موردی در باره شهرک‌های کوچی‌ها در سال ۲۰۱۹ انجام شد و مصاحبه‌های تعقیبی دیگری نیز بلافاصله پس از آن صورت گرفت. به طور کلی، کار ساحوی تصویر کاملی از منازعه کوچی/ده‌نشین و دخالت دولت افغانستان در مدیریت آن، به دست داد. حتی اگر ترسیم نقشه‌ی جامع همه منازعات محلی بین کوچی‌ها و ساکنین خارج از محدوده مطالعه می‌بود، ممکن بود این شناخت و فهم از طریق جمع‌آوری اطلاعات در باره منازعات محلی، پیشبرد مذاکرات و ترویج استقرار کوچی‌ها، به دست آید.

### یافته‌های اصلی

در حالی که اختلاف بین کوچی‌ها و ساکنین به دوره‌ی قبل از جنگ باز می‌گردد، جای تردید نیست که درگیری بین کوچی‌ها و ساکنین در دهه ۱۹۹۰ به طرز چشمگیری شدت یافت و مجدداً پس از ۲۰۰۱ در مقیاسی بزرگ از سر گرفته شد.

## منازعه شدیدی بین کوچی‌های برحال، نیمه کوچی و کوچی‌های مستقر ادامه دارد

ریاست کوچی‌ها تخمین می‌زند که حدود ۴۵٪ کوچی‌های برحال، نیمه کوچی و کوچی‌های مستقر به نوعی در درگیری‌ها دخیل‌اند. از این میان، حدود ۲۰٪ کوچی‌های برحال‌اند که با سایر کوچی‌های برحال درگیری دارند، ۶۰-۷۰٪ کوچی‌های برحال‌اند که با ساکنین درگیری دارند، و ۱۰-۲۰٪ کوچی‌های برحال‌اند که با کوچی‌های مستقر درگیری دارند.

### استقرار کوچی‌ها به خودی خود از منازعه نمی‌کاهد، تنها ماهیت آن را تغییر می‌دهد

بسته شدن مرز پاکستان به روی کوچی‌ها و بسته شدن دروازه‌های هزاره‌جات در بهسود بسیاری از کوچی‌ها را وادار کرد به دنبال مسپره‌های جایگزین باشند و در نتیجه با دیگر جوامع ساکن درگیر شوند که قبلاً از کوچ نشینی متاثر نشده بودند. روند استقرار کوچی‌ها نیز، که عمدتاً خارج از مدیریت دولت بوده است، باعث ایجاد منازعات جدید با جوامع ساکن و همچنان منازعه بین کوچی‌های مستقر و کوچی‌هایی شده است که به مهاجرت ادامه داده‌اند. تازه‌ترین تخمین ریاست کوچی‌ها این است که در سال ۲۰۱۹ تا ۴.۵ تا ۵ میلیون کوچی، نیمه کوچی و کوچی مستقر در کشور وجود داشته باشد. اعتقاد بر آن است که از این تعداد، حدود ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۲۰،۰۰۰ نفر نیمه کوچی‌اند، و به نظر می‌رسد کوچ نشینی کامل امروزه تا حد زیادی منقرض شده است. در کمال تناقض، منازعه همواره تشدید شده است. این امر به وضوح نشان می‌دهد که استقرار کوچی‌ها به خودی خود سطح نزاع را کاهش نمی‌دهد بلکه فقط ماهیت آن را تغییر می‌دهد.

### تشکیل ریاست عمومی مستقل کوچی‌ها در سال ۲۰۰۶ برای ایجاد صلح میان کوچی‌ها و ساکنین درگیر نزاع، نامؤثر بوده است

مقامات افغانستان افزایش منازعات بین کوچی‌ها و دهاقین در افغانستان را کاملاً نادیده نگرفته‌اند. مقامات سعی کرده‌اند از راه‌های گوناگون مداخله کنند. دولت افغانستان در سال ۲۰۰۶ ریاست عمومی مستقل کوچی‌ها را تاسیس کرد، که وظیفه پیگیری همه امور مربوط به کوچی‌ها را به عهده داشته است، و هرگونه منازعه را به مقامات محلی گزارش می‌دهد. این ریاست همچنان وظیفه دارد راه‌حل‌های درازمدت را برای حل مشکلات مربوط به کوچی‌ها تدوین کند. به علاوه آن، مقامات کوشیده‌اند چندین منازعه محلی را با اجرای صلح، حل کنند. در نهایت، مقامات دولتی برنامه‌هایی را برای استقرار کوچی‌ها پشتیبانی یا طرح ریزی کرده‌اند.

با این حال، تمام این تلاش‌ها دارای یک وجه مشترک است: هیچکدام آنها به طور مؤثر تطبیق نشده‌اند. برنامه‌های استقرار کوچی‌ها نقش بسیار اندکی برای دولت در نظر گرفت، به جز در موارد محدود مثل توزیع زمین به کوچی‌های شرکت‌کننده در برنامه. این وضعیت زمینه نفوذ دلالان و/یا زورمندان را در این پروسه مهیا ساخت. تلاش مقامات برای مذاکره میان طرف‌های منازعه تقریباً هیچ ثمری نداشت. تلاش برای تهیه طرح برخورد با عوامل محرک منازعه هیچ‌گاهی از مرحله پیش نویس اولیه فراتر نرفت.

### فقدان منابع، ظرفیت ضعیف و محدودیت خدمات رسانی به شهرک‌های جدید، به مشروعیت دولت آسیب رساند

عدم مؤثریت مداخله دولت تا حدی ناشی از کمبود منابع بوده است. به خصوص، ریاست کوچی‌ها با کمبود جدی منابع مالی مواجه است، تا اندازه‌ای که برای ترانسپورت به ادارات دیگر وابسته است. جنگ جاری نیز مانع دیگری است که دسترسی به بسیاری از مناطق را محدود می‌کند. مانند تقریباً هر اداره دولتی، مشکل جدی ضعف ظرفیت و فساد، ادعایی یا واقعی، نیز وجود دارد. مصاحبه شونده‌گان غالباً از ناتوانی یا عدم تمایل مقامات حکومتی به صدور اسناد مالکیت زمین حتی در شهرک‌هایی که با حمایت دولت ایجاد شده است، شکایت کردند. خدماتی مانند مکاتب، کلینیک‌ها و آب و برق هم اگر به شهرک‌های جدید رسیده است، بسیار دیر رسیده است. این تأخیرها و ناکارآمدی‌ها نیز باعث تضعیف مشروعیت دولت می‌شود.

### به دلیل عدم مؤثریت مداخله دولت، ابتکارهای غیر دولتی شکل گرفته است ولی حتی این ابتکارها در حل منازعات میان کوچی‌ها و ساکنین کمتر موفق بوده است

در نبود مداخله مؤثر دولتی، جامعه افغانستان در جستجوی راه‌هایی برای مدیریت منازعه بین کوچی‌ها و دهاقین بوده است. در حالی که طرح‌های بدیل غیر دولتی در برخی از موارد مایه آرامش شده است، به نظر نمی‌رسد قادر به حل منازعات باشد.

- کوچی‌ها مسیرهای مهاجرت شان را تغییر دادند تا از درگیری‌های غیرقابل اجتناب، جلوگیری کنند، اما منازعات جدیدی را در مناطق دیگر با جوامع ساکن در مسیرهای مهاجرت جدید به وجود آوردند.
- میانجی‌گری غیر دولتی به طور وسیع به کار گرفته شده است و غالباً موفقیت‌هایی به همراه داشته است. این نوع میانجی‌گری معمولاً توسط موسفیدان جوامع همجوار یا علمای دینی انجام می‌شود. اما فقط تعداد اندکی از منازعات شاهد میانجی‌گری موفق غیر دولتی بوده‌اند، و در مواردی که میانجی‌گری غیر دولتی اتفاق افتاده است، موفقیت آن گاهی اوقات تنها موقتی یا جزئی بوده است.
- کوچی‌ها بدون انتظار برای طرح‌های دولتی مناسب برای استقرار، دست به مسکن‌گزینی زده‌اند. این امر منجر به تصرف زمین در مقیاس وسیع شده است و اغلب درگیری‌های جدیدی را ایجاد کرده است، و در بسیاری از موارد، کوچی‌ها در شهرها ساکن شده‌اند، اکثراً در حومه‌های فقیر شهری.

### منازعه‌ی کوچی‌ها و ساکنین، بدون مداخله درست دولت، حل‌شدنی به نظر نمی‌رسد

بنابراین، به نظر می‌رسد منازعه‌ی کوچی‌ها و ساکنین، بدون مداخله دولت، حل‌شدنی است. ممکن است با محو تدریجی کوچی‌ها و تبدیل شدن

آنها به کوچی‌های سابق در حال تصرف زمین، منازعات شکل پیشرفته تری پیدا کند. اما نزاع همچنان باقی است و حتی ممکن است خشونت آمیزتر و بی ثبات کننده تر باشد.

به وضوح به نظر می‌رسد که منازعه کوچی/ده‌نشین برای مقامات افغانستان، که درگیر بسیاری از مشکلات دیگر اند، که نخستین و مهم‌ترین آن جنگ است، اولویت جدی محسوب نمی‌شود. اما روشن است که تشدید منازعات به تضعیف مشروعیت دولت می‌انجامد. هرچند درست است که خارج کردن منابع از فعالیت‌های دولتی دارای اولویت بالاتر شاید دشوار یا ناممکن باشد، این امکان وجود دارد که دولت افغانستان بدون افزایش چشم‌گیر منابع جهت مدیریت امور کوچی‌ها، کارهایی را انجام دهد.

## سفارشات

مقامات افغانستان تا حدودی این واقعیت را پذیرفته اند که قادر به حل یا حتی مدیریت منازعه در حال گسترش بین کوچی‌ها و ساکنین نیستند.

### مسئولین دولتی افغانستان همکاری با موسفیدان محلی برای حل، مدیریت یا جلوگیری از گسترش منازعه‌ی کوچی و ساکنین به مناطق دیگر را مؤثر می‌دانند

به طور مثال، زمانی که مقامات افغانستان اقدام به مذاکره می‌کنند، اتکا به موسفیدان محلی برای پیشبرد بخش اعظم کارها اکنون به رویه معیار تبدیل شده است، و ریاست کوچی‌ها یا سایر ادارات تنها در نقش پشتیبان عمل می‌کنند. این امر بخشی از مشکلات فراروی مقامات افغانستان، از جمله دسترسی به مناطق ناامن، را حل می‌کند. این کار گران هم نیست: میانجی‌گرهای غیر دولتی نوعاً فقط خواستار کمک برای پوشش هزینه ترانسپورت و حق الزحمه اندک اند. قرارداد برنامه‌های استقرار کوچی‌ها که از سوی مقامات دولتی راه اندازی شده اند نیز اغلب به منتفدین کوچی سپرده شده است، هرچند احتمال اندکی وجود دارد که این امر از طریق پالیسی سازی انجام شده باشد بلکه بیشتر ناشی از سیاست قدرت است.

بنابراین، بازیگران دولتی و غیر دولتی مانند موسفیدان در گذشته نیز با هم جلساتی داشته اند، اغلب به صورت غیر رسمی و لزوماً همیشه با نیک‌پنداری همراه نبوده است. شاید بتوان با رسمی سازی این روابط و تغییر ساختار آن به شیوه‌ای که اثربخشی آن بهبود یابد، نقاط قوت مشترک کشف شود و به اهداف مقامات افغانستان بهتر کمک کند، به دستاوردهای بهتری دست یافت.

### مقامات افغانستان باید بازیگران شایسته و توانمند خارج از حکومت را برای میانجی‌گری بین کوچی‌ها و ساکنین دخیل بسازد اما نباید بیش از حد به آنها اتکا کند

اعطای قرارداد به بازیگران بیرونی در عرصه حکومتداری و خدمات رسانی در افغانستان مفهوم جدیدی نیست. این روش عموماً در عرضه خدمات صحی مفید تلقی شده است، هرچند هزینه بالاتری تحمیل کرده است. به خصوص در مورد خدمات مکرر، اعطای قرارداد با مراجع خارج از دولت ناگزیر گران تر از خدمات رسانی مستقیم توسط نهادهای دولتی است. اینکه کیفیت بالاتر محصول به هزینه بالاتر می‌ارزد یا خیر، باید مورد به مورد بررسی شود. با این حال، در مورد خدمات غیر مکرر مانند میانجی‌گری بین طرف‌های منازعه، هزینه‌ی قرارداد با مراجع غیر دولتی شاید بیشتر از خدمات رسانی مستقیم نباشد، زیرا دولت مجبور خواهد بود دستگاه‌های بوروکراتیک را برای رسیدگی به بروز نامنظم منازعات حفظ کند، در حالی که قراردادی‌های غیر دولتی می‌تواند تنها در حالات ضروری به کار گرفته شود. بسیار محتمل است که قرارداد با بازیگران بیرونی بسیار مؤثرتر از مداخله مستقیم دولت ثابت شود: بازیگران غیر دولتی طرف قرارداد می‌توانند نیروی واجد شرایط کمیاب را آسان‌تر استخدام کنند (با ارائه پیشنهاد مبلغ بالاتر) و با اعزام آنها در هر جایی که لازم است آنها را به گونه مؤثرتر به کار گیرند.

### مقامات افغانستان باید بین گمارش بازیگران غیر دولتی و استفاده از منابع خود در میانجی‌گری منازعات کوچی-ده‌نشین، توازن را حفظ کنند زیرا اتکای بیش از حد به بازیگران بیرونی می‌تواند به مشروعیت دولت آسیب برساند

مشکلات دیگری نیز در رابطه با انعقاد قرارداد با بازیگران بیرونی وجود دارد: وقتی خود دولت کاری را مستقیماً اجرا نمی‌کند، مشروعیتی به دست نمی‌آورد. تلاش برای الصاق عنوان "دولت افغانستان" بر خدمات و فعالیت‌هایی که به مجریان غیر دولتی سپرده شده است، نمی‌تواند کسی را بفریبد، به ویژه به این دلیل که قراردادی‌ها علاقه زیادی دارند که خود را از دولت دور نگه دارند. به این دلایل، قرارداد با بازیگران غیر دولتی در میان مسئولین دولت فعلی افغانستان طرفدار ندارد. با این وجود، با توجه به شکست‌های مکرر تلاش‌های دولت افغانستان برای مداخله مؤثر در منازعه‌ی کوچی و ده‌نشین، قرارداد با بازیگران بیرونی ممکن است گزینه بد در برابر بدتر باشد. حکومت افغانستان باید تصمیم بگیرد که اولویت‌های آن چیست و منابع انسانی محدود خود را به کجا اختصاص دهد. اگر کاهش منازعه بین کوچی‌ها و ساکنین یکی از این اولویت‌ها نیست، اصرار بر عدم مدیریت منازعه یا مدیریت نادرست آن، احتمالاً آسیب بیشتری به مشروعیت دولت برساند، تا قرارداد با بازیگران بیرونی برای مداخله در این منازعات.

### پشتیبانی سازمان‌های غیر دولتی و موسسات بین‌المللی از میانجی‌گرهای غیر دولتی می‌تواند منابع بیشتری در اختیار آنها قرار دهد تا در مناطق دورتری اعزام شوند، راهکاری که امتیاز دیگر آن بی‌طرفی این سازمان‌ها در منازعه است

این ملاحظات این پرسش را ایجاد می‌کند که دولت افغانستان چه چیزی را می‌تواند به طور رسمی با میانجی‌گرهای غیر دولتی قرارداد کند و چگونه. همانطور که قبلاً اشاره شد، حل منازعه قبلاً هم، بی‌سر و صدا و به طور غیر رسمی، با بازیگران غیر دولتی قرارداد شده است. تلاش‌های غیر دولتی برای حل و فصل منازعه از فقدان حمایت کافی رنج می‌برد، حمایتی که احتمالاً می‌تواند توسط سازمان‌های غیردولتی یا موسسات بین‌المللی تامین شود. موجودیت چنین حمایتی، میانجی‌گرهای غیر دولتی را قادر می‌سازد در محدوده‌های دورتر مستقر شوند و مشکل مکرری

را که در میانجی‌گری غیر دولتی در منازعه کوچی/ده‌نشین به‌وجود آمده است، برطرف سازد: میانجی‌گرها محلی اند و از سوی همه طرف‌های منازعه، بی‌طرف پنداشته نمی‌شوند.

**پشتیبانی قوی حکومت پیش شرط اقدام سازمان‌های غیر دولتی یا موسسات بین‌المللی برای کمک به میانجی‌گرهای غیر دولتی است که به میانجی‌گری منازعات توظیف شده‌اند**

آیا می‌توان با عقد قرارداد با بازیگران غیر دولتی، برنامه‌های استقرار کوچی‌ها را مؤثرتر مدیریت کرد؟ از آنجایی که قبلاً بارها اتفاق افتاده است که این برنامه‌ها از سوی زورمندان به گروگان گرفته شده است، تصور کنترل آنها توسط سازمان‌های غیردولتی یا موسسات بین‌المللی، باز هم می‌تواند گزینه بد در برابر بدتر باشد. در این حالت، کنترل این برنامه از سوی سازمان‌های غیر دولتی احتمالاً باعث ایجاد مقاومت قابل توجهی از سوی طرف‌های ذی‌نفع (مانند زورمندان، و نیز مقامات فاسد دولتی) خواهد شد. برای مشارکت سازمان‌های غیر دولتی یا موسسات بین‌المللی، حمایت جدی حکومت لازم است.

**حکومت می‌تواند جامعه مدنی، محققین نهادهای دولتی یا خصوصی و دیگران را در اجرای تحقیق در باره ابتکارهای توسعه‌ی جدید و بهبود یافته در ارتباط با کوچی‌ها، سهیم سازد**

عرصه دیگری که نقش بازیگران غیر دولتی می‌تواند مفید باشد، بدون اینکه خیلی بحث برانگیز شود، کمک به اجرای تحقیقات و تدوین برنامه‌های بهتر برای حمایت از استقرار کوچی‌ها یا دیگر روش‌های کمتر نزاع برانگیز برای ادغام کوچی‌ها در اقتصاد ملی افغانستان است. ریاست کوچی‌ها و سایر ادارات حکومتی احتمالاً از چنین پشتیبانی‌هایی بهره خواهند برد، به ویژه اگر بتوانند در مورد نیازها و اهداف مرتبط، با سازمان‌های تحقیقاتی بحث و گفتگو کنند.

**مؤثرترین شیوه‌ی رسیدگی به منازعه‌ی کوچی/ده‌نشین برای دولت افغانستان این است که به حیث مدیر عمل کند و منابع را در جاهایی که نیاز است هدایت کند اما دولت باید مراقب نیروهای مخربی باشد که در صدد بهره‌برداری از این روند است**

بهترین فرصت برای دولت افغانستان برای ایجاد نقش سازنده‌تر در مهار منازعات کوچی/ده‌نشین این است که تلاش‌های عمدتاً غیر دولتی را مدیریت کند. در حالت ایده‌آل، مقامات افغانستان می‌خواهند و باید منابع مالی اختصاص داده شده برای رسیدگی به منازعات کوچی/ده‌نشین را کنترل کنند، اما این خطر وجود دارد که زورمندان و مقامات فاسد در این روند دخالت کنند.

مترجم: عزیزالله اسفندیاری  
کد نشریه: ۲۰۰۳

## درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می‌باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین‌المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می‌باشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک نهاد غیر انتفاعی در وزارت اقتصاد ثبت گردید. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد‌های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می‌نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت‌ها برای بازتاب اندیشه‌ها، مناظره‌ها و تحلیل‌ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می‌شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل‌کننده، سفارتخانه‌ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می‌باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین‌المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.

